

اول ماه مه

فراخوان شرکت در تظاهرات اول ماه مه ۲۰۱۳ پاریس^x

اتحاد جمهوری خواهان ایران - پاریس
جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران - پاریس
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - پاریس
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - پاریس
شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران - پاریس
مجامع اسلامی ایرانیان - پاریس

با فرارسیدن اول ماه مه، ما ضمن بزرگداشت این روز و به منظور
نمایاندن شرایط و خواسته‌های کارگران و زحمتکشان میهنمان با شرکت
در تظاهرات تشکل‌های کارگری فرانسه (س. ژ. ت) از هموطنان ایرانی
دعوت می‌کنیم با ما همراهی کنند.

اتحاد جمهوری خواهان ایران - پاریس
جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران - پاریس
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - پاریس
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - پاریس
شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران - پاریس
مجامع اسلامی ایرانیان - پاریس

محل تجمع:

Place de la Bastille/ bd. Richard Lenoir

ساعت ۲ بعد از ظهر ۱ ماه مه

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم



بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

ناهد جعفرپور

دنیائی که در آن زندگی می‌کنیم با بی‌عدالتی مهر خورده است. فقر در حال رشد است و درآمد حاصل از کار در حال سقوط و این همه در حالی است که سودهای شرکت‌ها هر روز بیشتر و بیشتر می‌شوند. با وجود اینکه علوم و تکنولوژی همواره در حال توسعه و پیشرفت قرار دارند اما همواره انسانهای بیشتری در جهان از کیفیت‌های آموزشی محروم می‌گردند.

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، جهانی مملو از تضادهاست. در حالیکه عملکرد و توانائی اقتصاد جهانی سال بسال در حال رشد است، فقر و بیکاری در جوامع همچنان در حال صعود است. در حالیکه کنسرن‌های بزرگ سودهای بی‌سابقه اندوخته می‌کنند، درآمدهای واقعی میلیون‌ها کارگر در سرتاسر جهان همواره کم‌تر و کم‌تر می‌گردد. در حالیکه در کشورهای صنعتی غربی میلیون‌ها تن مواد غذایی نابود می‌گردند و به کشاورزان پول پرداخت می‌شود تا برای حفظ ثبات قیمت‌ها کاشت نکنند، میلیون‌ها نفر انسان در جهان از گرسنگی در رنج بسر می‌برند.

وجود این تضادها به هیچ وجه اتفاقی و نتیجه تغییری ناگهانی و عجیب و غریب در طبیعت و یا قدرتی از بالا نیست. سیاست و تاریخ محصول کنش انسانی و تضادها بیان تعارض منافی است که در جوامع ما در تقابل با هم قرار گرفته‌اند. بیش از ۱۵۰ سال پیش مارکس و انگلس در "مانیفست حزب کمونیست" اعلام نمودند: "تاریخ تمامی جوامع موجود، تاریخ مبارزات طبقاتی است". تنها زمانی که ما وجود این طبقات و منافع آنان را تشخیص بدهیم، در این صورت است که می‌توانیم به علل ناسازگاری‌ها و تضادهای اجتماعی در جوامع خود پی ببریم و استراتژی‌های موثر بر علیه فقر، استثمار و ظلم و ستم برنامه‌ریزی کنیم تا بتوانیم جامعه‌ای آزاد و برابر با یک دمکراسی واقعی را بنا سازیم.

بنابراین جهانی که در آن زندگی می‌کنیم جهان تحت سلطه سرمایه‌داریست. انقلاب صنعتی قرن ۱۹

همان اندازه که توسعه تولید سرمایه‌داری را رشد داد، به گسترش و شکستن مرزها هم توسط آن کمک نمود. سرمایه‌داری نظام اقتصادی فئودالی و به همراه آن مناسبات موجود اجتماعیش را لغو نموده و قدم‌به‌قدم جوامع دهقانی را به جوامع مدرن صنعتی تبدیل نمود. استثمار و ظلم و ستم آشکاری را که از سوی سرواژه‌ها به دهقانان وارد می‌شد، با یک فرایند ظریف‌تر در پوشش قرار گرفته‌ای از

استثمار بنام " کارمزدی" جایگزین نمود.

مزدبگیران از آنجا که از دارائی های اجتماعی محرومند، مجبورند برای امرار معاش نیروی کار خویش را در اختیار صاحبان سرمایه قرار دهند و صاحبان سرمایه هم در برابر این نیروی کار مزدی را پرداخت می نمایند که بسیار پائین تر از ارزش کالاهای تولید شده در روند تولید می باشد. در نتیجه این فرایند تولید " ارزش اضافی" اندوخته می شود که برآمده از تفاوت میان ارزش کالاهای تولید شده و هزینه های تولید و نیروی کار ارزان است. هر چه دستمزد ها پائین تر نگاه داشته شوند، این ارزش اضافی که برای صاحبان شرکت ها باقی خواهد ماند، بالاتر خواهد بود.

سرمایه داری تحت پوشش " آزادی قرارداد" فرایند استثماری را به پیش می برد که کاهش درآمد و کاهش کیفیت زندگی مزدبگیران را بنفع شرایط رفاه و کسب ثروت بیشتر برای صاحبان ثروت و سرمایه، موجب می گردد. بنابراین شیوه تولید سرمایه داری باعث پیدایش دو طبقه مشخص اجتماعی شده است که منافعشان در اساس با یکدیگر در تضاد قرار دارد. در این سیستم سرمایه داران برای حفظ و افزایش سودآوری هر چه بیشتر خود به استثمار نیروی کار کارگران می پردازند و کارگران هم بر علیه استثمار خود و برای دسترسی به حاصل کارشان در فرایند تولید مبارزه می نمایند.

این تضاد اساسی و جنگ مطالباتی میان دو طبقه اجتماعی را ما جنگ طبقاتی می نامیم. طبقات اجتماعی در این مبارزه تلاش می کنند منافع خویش را به کرسی بنشانند و انجام این کار را به ناچار باید با هزینه طبقه دیگر پردازند. بالا رفتن درآمد و کیفیت زندگی، بهبود خدمات اجتماعی و... کاهش سود برای سرمایه داران را به همراه خواهد داشت و بالعکس. بنابراین تغییرات در شرایط زندگی و درآمد همیشه با تعارض همراه بوده است. به این معنا در این سیستم مبارزه طبقاتی همواره در حال جریان بوده و هست.

بنابراین کسانی که از این حرکت می کنند که در " سرمایه داری مدرن " مبارزه طبقاتی دیگر وجود ندارد، چشمان خود را در برابر واقعیت ها می بندند. بدیهی است که زندگی شاغلین و مزد بگیران در جهان صنعتی در ۲۰۰ سال گذشته از توسعه سرمایه داری بطور چشم گیری بهبود یافته است. کاهش شدید زمان کار، دستمزد بالا تر، ایجاد مدارس دولتی و آموزش عالی، بیمه خدمات درمانی، بیمه بازنشستگی، مزایای بیکاری و غیره وضعیت مزدبگیران و شرایط مادی آنها را

بطوری تعیین کننده بهبود بخشیده است. اما واقعیت هم این است که جنبش های سازمان یافته کارگری تمامی این دستاوردها را در مبارزه ای قدم به قدم و طولانی مدت و پراز افت و خیز و فراز و نشیب بدست آورده اند. این دستاوردها در نتیجه مبارزه طبقاتی بدست آمده و می توانند در همین مبارزه طبقاتی از سوی سیستم سرمایه داری مجدداً باز پس ستانده شوند. کما که امروزه بخوبی شاهد آن هستیم. سیاست نئولیبرالی و تخریب خدمات آموزشی و اجتماعی، بیکاری گسترده و افزایش فشار بر بازار کار و... بیانگر یک مبارزه طبقاتی " از بالا" است که توسط آن موفقیت های طبقه کارگر در دهه های گذشته مجدداً باز پس ستانده می شوند.

اما از سوی دیگر هم تعلق داشتن به یک طبقه هم به طور اتوماتیک به این منجر نمی شود که همیشه منافع خود برسمیت شناخته شود. برای مثال بسیاری از مزد بگیران در بخش خصوصی در مقابل خواسته های مزد بگیران بخش دولتی و یا فشارهای شدید به بیکاران در یک حالت بی تفاوتی قرار می گیرند و یا تسلیم تبلیغات نئولیبرالی می شوند که گویا اقتصاد خصوصی ناجی نجات آنهاست.

به واقع هم هر قدمی برای از بین بردن قدرت گروه های "ممتاز" با کاهش دستمزدها بطور کلی و کاهش استانداردهای کاری همراه بوده است. زیرا در شرکت های بزرگ دولتی که اتحادیه های کارگری سازمان یافته داشته اند، امنیت های شغلی و شرایط کاری بهتر برای مزد بگیران بیشتر از بخش هایی بوده است که از سازماندهی خوب اتحادیه ای برخوردار نبوده اند. از این روی این مسئله باعث می شود تا فشار به بخش خصوصی برای ارائه بهتر خدمات به کارکنان افزایش یابد.

یک چنین عملکرد مشابه ای را خدمات اجتماعی مدنی و به ویژه امنیت های زمان بیکاری داراست؛ این قوانین به بیکاران حداقل راه گریزی را می دهد تا بدان وسیله بیکاران، شغلی را که مناسب خود می دانند جستجو کنند. مقرری زمان بیکاری بسیار اندک و مقررات سختگیرانه، بیکاران را در مقابل بازار کار در منگنه قرار داده و آنها اجباراً از توقعات خود کاسته و تن به هر کاری می دهند. تنها با حذف اشتغال کامل و افزایش فشار بر بیکاران و دیگر پیامدهای آن، استثمار در مناسبات شغلی غیر معمول در مقیاس کنونی ممکن می گردد.

بنابراین مهم است که نه تنها کسانی که به یک طبقه تعلق دارند بلکه تمامی مزد بگیران طبقه کارگر به همراه تمامی کسانی که وابسته به مزد

شغل خود هستند مانند معلمان، کارمندان اداره دارائی، کارمندان راه آهن و..... همه و همه به این خودآگاهی برسند که باید برای رسیدن به منافع خود متحدا مبارزه نمایند.

از این روی یکی از وظایف مهم جنبش سوسیالیستی این است که به بالا رفتن خودآگاهی و موقعیت اجتماعی زحمتکشان و مزد بگیران در جامعه یاری رساند و مجموعه ای از تناقضات اساسی جامعه را به آنها تاکید کند تا بدینوسیله بستری مناسب برای مبارزات موفقیت آمیز تمامی مزدبگیران و تمامی جنبش های اجتماعی برای ایجاد جامعه ای آزاد، برابر، با عدالت اجتماعی و دمکراسی به وجود آید.

اما اقتصاد سرمایه داری نه تنها توزیع ناعادلانه و نابرابر درآمد و ثروت را فراهم می سازد بلکه همواره خود مولد رکود اقتصادی و بحران است. رشد کم و کاهش عملکرد اقتصادی و نرخ بالای بیکاری محصول مستقیم اقتصاد سرمایه داریست.

در سیستم سرمایه داری تنها تولید کالا برای برآوردن نیازهای انسانها در مرکز قرار ندارد بلکه تولید سود و سرمایه مهمترین خواست است. اگر برای مثال با کاهش دستمزدها قدرت و توانائی مصرف مزدبگیران پائین آید و شرکت ها دیگر کالاهای خویش را نتوانند بفروش برسانند، حتی اگر برای این کالاها هنوز تقاضا وجود داشته باشد، تولید کالاها را محدود و یا متوقف می سازد. سرمایه داران در حال حاضر سعی می کنند عدم سود دهی لازم را با بستن کارخانه جات، ادغام شرکت ها، کاهش دستمزدها، افزایش بهره برداری از کارکنان، کاهش مالیات ها، دور زدن مقررات زیست محیطی و غیره جبران نمایند و در نتیجه شرایط را برای بحران بعدی مهیا می سازند. چرخه ای که مرتبا تکرار می شود. تلاش برای اینکه بتوانند بطور موقت برای جبران این گرایش، توزیع مجدد دولت " از بالا به پائین" را انجام دهند کاملا امکان پذیر است. اما آنها همواره در معرض حملات مقاوم سرمایه قرار دارند و برای دفاع از خود نیاز دائمی به بسیج سیاسی و تجهیز و رادیکالیزه شدن مردم خواهند داشت. سیستم اقتصاد سرمایه داری دارای تمایل ذاتی است بحران هائی را که توانائی اقتصاد را محدود می سازند، تحریک نماید. تنها با گذراندن این سیستم از سر می توان بر مشکلات بحران و استثمار طبقه کارگر برای همیشه پایانی داد.

"جهانی سازی نئولیبرالی" یکی از مهمترین شعار های زمان کنونی است. در جهانی سازی نه تنها درهای بازار های داخلی و منطقه ای بروی بازار جهانی باز می گردد بلکه در نزد بسیاری از سیاستمداران

بعنوان "علت انتزاعی مشکلات اقتصادی و اجتماعی" نشان داده می شود. بسته شدن کارخانه جات، انهدام خدمات اجتماعی یا تسهیل مقررات کار، خصوصی سازی کارخانه جات و نهاد های دولتی همه و همه بعنوان ضرورت رقابت بین المللی به منظور رسیدن به "رقابت" اقتصاد ملی در بازار جهانی به افکار عمومی جهان فروخته می شود.

آنچیزی که بما بعنوان " قدرت و نیروی طبیعت" نشان داده می شود، که ما را مجبور می سازد استاندارد زندگی مان را پائین بیاوریم، در آمد های پائین، شرایط بد کار و خصوصی سازی خدمات اجتماعی را بپذیریم، طبیعتا چیزی نیست جز محصول اعمال انسانی تحت تاثیر قوانین سرمایه.

الزامات بین المللی سرمایه داری به طور جدائی ناپذیری با تغییرات ذکر شده و خصوصی سازی در رابطه قرار دارد. تلاش هایی که تنها هدفش بالا بردن مجدد امکان سودآوری و تضمین انباشت سرمایه بسود کنسرن های چند ملیتی و سرعت این انباشت است. از طریق خصوصی سازی خدمات عمومی در سرتاسر جهان، قطع یا کاهش مدد های اجتماعی، سیاست های مالیاتی دولتی به نفع سرمایه و همچنین از طریق حذف مقررات دولتی برای تجارت.

مفهوم واقعی " نئولیبرالیسم" چیز دیگری جز نقل و انتقالی شخصیتی مهار نشده از ماهیت تهاجمی و ظالمانه سرمایه داری در مرحله امپریالیستی اش نیست.

جهانی سازی نئولیبرالی که امروز مردم جهان خود را در مقابل آن می بینند و از خود در برابر آن دفاع می کنند، چیز دیگری نیست جز مبارزه طبقاتی پیشرفته بین المللی از بالا توسط سرمایه های بزرگ چند ملیتی.

با انحلال پیمان ورشو و اتحاد جماهیر شوروی یکی از دلائل اصلی و مهم کشورهای سرمایه داری غربی برای مصارف نظامی بالا رفع گردید. با این حال در سال های اخیر مجددا این روند از سر گرفته شد. اروپا و آمریکا اینبار با توجیه مبارزه با تروریسم به خرید و توسعه بمب افکن های جدید نظامی و جت های جنگنده، تانک ها، موشک ها، بمب های هسته ای، تسلیحات بیولوژیکی و شیمیائی و غیره پرداختند.

واضح است که یک بمب کوچک هسته ای آمریکا و یا بمب افکن های دوربرد اروپائی نمی توانند جلوی حملات تروریستی را بگیرند. مسابقه

تسلحاتی جدید به هیچ وجه برنامه ای برای ایجاد امنیت جهانی نبوده بلکه بیانگر این تلاش برای حل مشکلات اقتصادی و رقابت های نظامی است. در کنار قراردادهای سود آور برای " مجموعه صنایع نظامی" موضوع بر سر زیر کنترل درآوردن مناطق مهم به لحاظ سیاسی، استراتژی و اقتصادی جهان است. این که کشورهای اروپائی مواد خام و حوزه تسلط و نفوذ خود و همچنین کنسرن های تسلحاتی اروپائی سودهای کلان خویش را امنیت بخشند.

زنان در جوامع ما استثماری مضاعف را تحمل می کنند. علاوه بر استثمار و بهره کشی از زنان شاغل بعنوان کارگران بسیار ارزان در فرایند تولید سرمایه داری، همچنین زنان وظیفه کار مجانی خانه داری و مراقبت از سالمندان و کودکان را بعهده دارند. در مورد زنان مهاجر این شرایط بسیار سخت تر است. تمامی فعالیت های تعمیر و نگهداری از جامعه به عهده زنان است. زنان محروم نه تنها درون طبقه خود بلکه بیرون از طبقه هم تحت ستم و خشونت جسمی، روانی و جنسی قرار می گیرند. مبارزه جنبش سوسیالیستی برای یک جامعه عادلانه همچنین باید مبارزه برای برابر حقوقی و برابری جنسیتی زنان و مردان و از بین بردن تمامی این سوء استفاده ها از زنان باشد.

دنیائی که در آن زندگی می کنیم با بی عدالتی مهر خورده است. فقر در حال رشد است و درآمد حاصل از کار در حال سقوط و این همه در حالی است که سودهای شرکت ها هر روز بیشتر و بیشتر می شوند. با وجود اینکه علوم و تکنولوژی همواره در حال توسعه و پیشرفت قرار دارند اما همواره انسانهای بیشتری در جهان از کیفیت های آموزشی محروم می گردند. با وجود ادعای دمکراتیک بودن انتخابات ها اما سیاستمداران منافع و نگرانی های رای دهندگان خویش را نادیده گرفته و به فراموشی می سپارند. دولت های تمامی جهان با وجود ادعای نگرانی از حقوقی که در قوانین اساسی شان قید شده است، برای کنترل و نظارت بر اعمال زندگی روزمره شهروندانشان به ایجاد دستگاه های امنیتی و ساخت و خرید تجهیزات مناسب برای این کار اقدام می ورزند. بر خلاف تمامی ادعا های " قبول داشتن برابری تمامی انسانها با هم" اما بخصوص زنان همواره تحت ظلم و ستم قرار می گیرند. مهاجرین به حاشیه جوامع رانده می شوند و نابرابری گسترده و عظیم اقتصادی و اجتماعی چون ابری سیاه آسمان زندگی انسانهای این کره خاکی را فرامی گیرد.

جهانی دیگر ممکن، ضروری و لازم است

در باره تمرین مدارا



مهرداد درویش پور
سخنرانی در باره اثر محمد مختاری
در برنامه کتاب ماه تورنتو

برای دیدن فیلم سخنرانی:

http://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=pN2hhYwmJN

امنیت گم شده کارگران ایران



حمید مافی

جامعه کارگری ایران حال و روز خوشی ندارد. کارگران ایرانی در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر میروند که نگران فردا هستند. از یکسو حداقل دستمزد آنها هزینه‌های زندگی را پوشش نمی‌دهد و هنوز تشکلهای کارگری نتوانسته‌اند دیوان عدالت اداری را برای نقض حداقل دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار مجاب کنند.

جامعه کارگری ایران حال و روز خوشی ندارد. کارگران ایرانی در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر میروند که نگران فردا هستند. از یکسو حداقل دستمزد آنها هزینه‌های زندگی را پوشش نمی‌دهد و هنوز تشکلهای کارگری نتوانسته‌اند دیوان عدالت اداری را برای نقض حداقل دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار مجاب کنند.

از سوی دیگر، اقتصاد به گل نشسته ایران امنیت شغلی آنان را بیش از گذشته تهدید می‌کند و دولت نیز سیاست تحدید نهادهای کارگری را در پیش گرفته است. فعالان کارگری همچنان در زندان هستند. لایحه

اصلاح قانون کار چنانچه به تصویب نمایندگان مجلس برسد، جامعه کارگری ایران را با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو خواهد کرد.

در سال سخت اقتصاد ایران، فشار بیشتری بر خانواده‌های کارگری وارد شده است. افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید کارگران از یک سود و ناتوانی کارفرمایان در پرداخت مطالبات کارگران از سوی دیگر، معاش آنان را در خطر قرار داده است. همچنین بحرانی که دامان واحدهای تولیدی ایران را گرفته، کارگران را قربانی می‌کند و امنیت شغلی آنان را به خطر انداخته است.

در چنین شرایطی کارگران ایران همچنان چشم انتظار مجوز دولت برای مراسم روز جهانی کارگر هستند. در غیاب تشکلهای کارگری مستقل، دولت در سال‌های گذشته تلاش کرده است که مراسم روز جهانی کارگر را به یک مراسم دولتی تبدیل کند. شوراهای اسلامی کار به عنوان یک تشکل همسو با حکومت هر سال مسئولیت برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را عهده‌دار شده است.

افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید کارگران از یک سود و ناتوانی کارفرمایان در پرداخت مطالبات کارگران از سوی دیگر، معاش آنان را در خطر قرار داده است.

از چهار سال قبل که اعتراضهای کارگری شدت بیشتری یافت، دولت هم سخت‌گیری‌های بیشتری را برای صدور مجوز اعمال می‌کند. در همین زمینه دولت کوشید تا با انحلال شوراهای اسلامی کار از میزان اثرگذاری و قدرت آنها بکاهد و در مقابل به تقویت یک نهاد کارگری دولت ساخته دیگر به نام جامعه اسلامی کارگران کمک کرد.

با این حال هیچ یک از اقدامهای دولت نتوانسته مانع اعتراضهای کارگران شود. اگر چه فرمانده نیروی انتظامی ایران گفته است که علیرغم انتظار مقامهای دولتی، اعتراضهای کارگری در سال گذشته کاهش ۳۶ درصدی داشته است، اما گزارشهای منتشر شده در رسانه‌های داخلی ایران نشان می‌دهد که سال گذشته به صورت میانگین هر سه روز دو تجمع اعتراضی کارگری در ایران تشکیل شده است. در دو ماه‌های نخست امسال نیز کارگران با امضای طومار سی هزار نفره نسبت به حداقل دستمزد تعیین شده اعتراض کرده‌اند و به دلیل عدم دریافت مطالبات خود تجمع کرده‌اند.

زندگی زیر خط فقر

کارگران ایران تنها برای برگزاری روز جهانی کارگر چشم انتظار مجوز دولت نیستند. نهادهای کارگری ایران نسبت به افزایش حداقل دستمزد در سال جاری معترضند و در همین زمینه از دیوان عدالت اداری خواستار ابطال مصوبه شورای عالی کار شده‌اند.

شورای عالی کار ایران اسفندماه سال گذشته اعلام کرد که حداقل دستمزد تنها ۲۵ درصد افزایش می‌یابد. این در حالی بود که کارگران خواستار تعیین حداقل مزد بر اساس نرخ تورم سالانه بودند. کمیته مزد کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرده که نرخ تورم در سبد کالاهای اساسی بیش از ۶۵ درصد بوده است. بانک مرکزی اما نرخ تورم سالانه را ۳۱ درصد و تورم نقطه به نقطه را چهل درصد اعلام کرده است.

بر اساس قانون کار جمهوری اسلامی ایران، حداقل دستمزد باید بر اساس نرخ تورم سالانه تعیین شود، اما شورای عالی کار در نهایت با افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزدها موافقت کرده است. یک فعال کارگری به خبرگزاری کار ایران گفته است: «افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزدها توان پوشش نرخ تورم را ندارد و کارگران برای تامین نیازهای ضروری زندگی هم با کسری بودجه روبه‌رو خواهند شد.»

حسین حبیبی، عضو کمیته تعیین دستمزد هم گفته است: «حداقل مزد تعیین شده نصف خط فقر اعلام شده هم نیست. خط فقر رسمی یک میلیون و ۳۱۶ هزار تومان است آن وقت با حداقل مزد ۴۷۰ هزار تومانی چگونه انتظار داریم که کارگران بتوانند زندگی خود را اداره کنند.»

علی دهقان کیا، عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار نیز گفته است که کارگران از شکایت خود کوتاه نمی‌آیند و باید دستمزدها واقعی و بر اساس خط فقر تعیین شود. او گفته است: «۷۵ درصد کارگران ایران زیر خط فقر دستمزد دریافت می‌کنند.»

امنیت شغلی در اغما

دستمزد پایین‌تر از نرخ تورم و خط فقر تنها زخم جامعه کارگری ایران نیست. جامعه کارگری ایران به شدت نگران امنیت شغلی خود نیز هست.

بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی نهادهای دولتی ده میلیون نفر تا ۱۴ میلیون نفر از جمعیت ایران را کارگران تشکیل می‌دهند. بیشترین سهم اشتغال را بخش خدمات با ده میلیون و ۵۲ هزار نفر داراست و پس

از آن بخش صنعت با هفت میلیون و ۱۰۵ هزار نفر قرار دارد.

گزارش‌های غیر رسمی منتشر شده تعداد کارگران صنعتی ایران را چهار و نیم میلیون نفر اعلام کرده که سه میلیون نفر آنان در کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر کارکن مشغول به کار هستند و تنها ۸۵۰ هزار نفر از کارگران صنعتی در کارخانه‌های بزرگ با بیش از ۱۰۰ نفر کارکن مشغول به کار هستند.

فخرالله مولایی، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت اما جمعیت کارگران بخش صنعت کشور را دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرده و گفته است: «۴۲ درصد کارگران این بخش در صنایع کوچک مشغول به کار هستند.» به گفته وی، تنها ۶۵۰ هزار نفر از کارگران بخش صنعت در واحدهای تولیدی بزرگ اشتغال دارند و ۷۰۰ هزار نفر نیز در مشاغل تولیدی خرد مشغول فعالیت هستند.

اگر آمارهای این مقام دولتی را مبنا قرار دهیم آنگاه برخلاف وعده‌های دولت، در سال‌های گذشته نه تنها بر ظرفیت اشتغال‌آفرینی در بخش صنعت کشور افزوده نشده، بلکه بیش از یک میلیون از مشاغل موجود در این بخش در هشت سال گذشته از بین رفته است.

گفته‌های محمد برخوردار، عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن استان تهران هم نشان می‌دهد که در یک سال گذشته اشتغال صنعتی کشور با کاهش ۴۳ درصدی روبه‌رو بوده است. پیش از این مرکز پژوهش‌های مجلس از کاهش ۴۰ درصدی اشتغال در واحدهای صنعتی و تولیدی خبر داده بود.

افزایش هزینه‌های تولید، صاحبان سرمایه و واحدهای تولیدی را بر آن داشته است که به دنبال راهکاری برای کاهش هزینه‌ها باشند. صاحبان صنایع نیز در گام نخست اقدام به کاهش تولید کرده است، به گونه‌ای که گزارش‌های رسمی از فعالیت ۷۰ درصد واحدهای تولیدی با سی تا چهل درصد ظرفیت حکایت دارند. در چنین شرایطی، واحدهای تولیدی توان پرداخت مطالبات کارگران را ندارند و راهکار تعدیل را در پیش گرفته‌اند.

در این میان بسیاری از کارگران ایران به دلیل اینکه قراردادی هستند، زیر پوشش بیمه بیکاری قرار نمی‌گیرند. بر اساس قانون کار جمهوری اسلامی ایران، کارگران چنانچه دو سال پیاپی در یک کارگاه مشغول به کار باشند و حق بیمه آنان واریز شود، مشمول دریافت بیمه بیکاری خواهند شد، اما آنگونه که دبیر کل خانه کارگر گفته است:

«۷۰ درصد کارگران ایران قراردادی هستند.»

بر اساس قانون کار جمهوری اسلامی ایران، کارگران چنانچه دو سال پیاپی در یک کارگاه مشغول به کار باشند و حق بیمه آنان واریز شود، مشمول دریافت بیمه بیکاری خواهند شد، اما آنگونه که دبیر کل خانه کارگر گفته است: «۷۰ درصد کارگران ایران قراردادی هستند.»

پرویز مرادی، نائب رئیس اتحادیه کارگران پیمانی گفته است: «کارگران قراردادی هیچگونه امنیت شغلی ندارند. کارفرمایان با آنها قراردادهای سه ماهه امضا و سفید امضا می‌کنند و هر وقت که احساس کنند نیازی به کارگران ندارند، اقدام به اخراج کارگر می‌کنند و دست کارگران هم به جایی نمی‌رسد.»

کارگران به چشم نمی‌آیند

نهادهای کارگری ایران در سال‌های گذشته خواستار حذف قراردادهای موقت و شرکتهای پیمانکاری شده‌اند. علیرغم وعده‌های دولت برای ساماندهی کارگران قراردادی تا به حال تغییری در وضعیت آنها به وجود نیامده است. در همین حال دولت لایحه اصلاح قانون کار را برای تصویب به مجلس فرستاده است.

نهادهای کارگری اصلاحات صورت گرفته در قانون کار را به زیان کارگران میدانند. محمد احمدی از اعضای شورای عالی کار خواستار تجدید نظر مجلس در این لایحه شده است. به گفته او، قانون فعلی نه به نفع کارگران است و نه به نفع کارفرمایان و مجلس باید در بررسی اصلاحات قانون کار دیدگاه‌های کارگران را هم در نظر بگیرد.

مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران هم به خبرگزاری کار ایران گفته است: «امنیت شغلی کارگران در این قانون به طور کامل از بین می‌رود و زمانی که کارگر امنیت شغلی نداشته باشد قدرت اجرایی قانون کار نیز از بین می‌رود. کارگر تا بخواهد از حق بیمه خود دفاع کند وی را تعدیل می‌کنند. همه اختیارات به کارفرمایان سپرده شده است. قدرت اخراج کارگران در عمل به صورت مطلق به کارفرمایان سپرده شده است.»

دبیر کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران نیز لایحه دولت را به نفع کارفرمایان دانسته و گفته است: «با تغییرات ایجاد شده کارفرما می‌تواند سلیقه‌ای اقدام به اخراج کارگران کند. حتی اگر آن کارگر رسمی باشد؛ در صورتی که کارفرما بخواهد می‌تواند کارگر را

اخراج کند.»

داود رضوی از فعالان کارگری شرکت واحد اتوبوسرانی تهران هم معتقد است: «دولت در غیاب نمایندگان واقعی کارگران، کارگران را نمی‌بیند.» او گفته است: «اعضای گروه کارگری شورای عالی کار از نظر نوع عملکرد بیشتر تابع گروه دولت و کارفرمایی هستند و با بدنه جامعه کارگری ارتباطی ندارند.»

به گفته او، دستیابی به حقوق کارگران تنها با حضور نمایندگان واقعی کارگران ممکن است و تا هنگامی که نهادهای کارگری واقعی شکل نگیرند نمی‌توان انتظار داشت که نهادهای دولتی حقوق کارگران را رعایت کنند.

برگرفته از تارنمای [www.kar.org.ir](#)

صلح برای سوریه؟

✘ گزارش کنفرانس بنیاد رزا لوگزامبورگ در باره اوضاع سوریه

Jungewelt

Karin Leukefeld

برگردان ناهید جعفرپور

در این کنفرانس سخنرانانی از جامعه مدنی سوریه و نمایندگانی از جنبش صلح آلمان در مورد موضوع "آتش بس و دولت انتقالی، آشتی ملی میان گروه‌های مذهبی و همچنین مذاکرات برای توافقات ژئوپولیتیکی نظرات خویش را اعلام نمودند.

در روز شنبه گذشته در شهر دوسلدورف آلمان کنفرانسی از سوی بنیاد رزا لوگزامبورگ با تم "صلح برای سوریه" برگزار گردید. در این کنفرانس همچنین نهاد بین‌المللی "صلح برای سوریه" شرکت داشت. نهادی که از یکسال پیش با شعار "آری به دمکراسی، نه به حمله نظامی نیروهای خارجی" شخصیت‌هایی را از سرتاسر جهان فرا خوانده و دور هم جمع نموده است تا بدین وسیله برای این کشور درگیر در

جنگ یک راه حل سیاسی مسالمت آمیز (مذاکرات) برای رسیدن به آتش بس پیدا نمایند

در این کنفرانس سخنرانانی از جامعه مدنی سوریه و نمایندگان از جنبش صلح آلمان در مورد موضوع " آتش بس و دولت انتقالی ، آشتی ملی میان گروه های مذهبی و همچنین مذاکرات برای توافقات ژئوپولیتیکی نظرات خویش را اعلام نمودند. در دور نهائی این پرسش مطرح گشت که جنبش صلح چه می تواند انجام دهد؟.

مردم شناس اجتماعی لئو گابریل که مؤسس کمیته سوریه در فوروم جهانی است در آغاز کنفرانس به تجربیات فوروم جهانی اشاره نمود و پیشنهادهای ارائه نمود که این پیشنهادات در مجمع عمومی این کمیته در ماه مارس امسال در کشور تونس مورد توافق فوروم جهانی قرار گرفته است. بر اساس این پیشنهادهای می بایست از " آتش بس محلی " و ایجاد مناطق آزاد و عاری از جنگ پشتیبانی گردد. همچنین طبق این پیشنهادهای سازمانهای کمک های بشردوستانه بین المللی و ناظرین سازمان حقوق بشر باید دسترسی به تمامی مناطق سوریه داشته باشند. یک کمیسیون مستقل بین المللی باید از تمامی مرزهای سوریه جلوی ورود تسلیحات و همچنین جنگ جویان خارجی را از هر کجا که وارد سوریه می شوند، بگیرد. زندانیان باید آزاد شوند. بخصوص زندانیان زن و زندانیانی که سلامتی شان در خطر است. همچنین باید از " گنجینه های ملی سوریه " محافظت گردد. نیروهای نظامی هر دو طرف جنگ مجبور به عقب نشینی گردند. در نهایت خدمات آب رسانی و تغذیه رسانی تضمین گردند. علاوه بر این باید یک کنفرانس بین المللی صلح که تحت نظارت جامعه مدنی بین المللی باشد، ایجاد گردد.

سمیر ابو لابن نماینده اخوان المسلمین که در این کنفرانس حضور داشت گفت " در هر حال آتش بس تنها از این طریق برقرار خواهد شد که جامعه بین الملل مهمات و اسلحه را تنها در اختیار شورشیان قرار دهد. جامعه بین المللی باید بداند تسلیحات را در اختیار چه کسانی قرار خواهد داد. به همین دلیل هم ساختار نظامی " ارتش آزاد سوریه " ساخته شده است. رهبری نظامی این ارتش آزاد در باره حملات و توزیع مهمات و تجهیزات به گروه های جنگجو تصمیم می گیرد".

دکتر میشل سایغ نماینده انجمن فرهنگی سوریه و آلمان در مقابل گفته های نماینده اخوان المسلمین به تعداد بیشمار سوریه ای ها که پشت رئیس جمهور بشار اسد و دولت او قرار دارند؟، اشاره نمود و گفت که تظاهرات های توده ای دوره اخیر که به طرفداری اسد در سوریه برگزار شده در مطبوعات غربی در باره اش سکوت می شود. رئیس جمهور

بشار اسد اوائل سال ۲۰۱۳ پیشنهادهای برای فرایند آشتی ملی در سوریه داد که در آن عفو عمومی هم قید شده بود. علاوه بر این دولت سوریه هم تیمی برای مذاکرات منصوب نمود که به مذاکره با نیروهای سازمانده گروه های مسلح پردازند.

کلودیا هایدت از مرکز اطلاعات نظامی توبینگن آلمان به راه حل خودسرانه ای که در توافقنامه جولای ۲۰۱۲ ژنو قید شده است، نقد نمود و از غرب خواست که بیش از این مانع مذاکرات برای پیدا کردن راه حل نگردند.

کریستین ریمن روزنامه نگار و نویسنده کتاب " سوریه. چگونه یک کشور سکولار منهدم می شود" با صراحت در شب آخر کنفرانس در پاسخ به این پرسش که جنبش صلح چه باید انجام دهد؟ بیان نمود" با توجه به خشونت موجود در سوریه مهمترین وظیفه مقدم این است که در سطوح بین المللی برای پایان دادن به خشونت ها در سوریه حرکت کنیم.

مارتین گلاس ناپ از سازمان مدد کاری مدیکو بین المللی (پزشکان بین المللی) و پشتیبان کارزار «Adopt a Revolution» خواهان همدلی بیشتر با شورش های اجتماعی در سوریه شد. رایزر براون از کانون بین المللی وکلا در برابر خطر بکارگیری تسلیحات هسته ای هشدار داد و گفت که هنوز هم خطر مداخله نظامی خارجی موجود است.

مجموعاً تمامی سوریه ای هائی که به کنفرانس دعوت شده بودند به زبان آلمانی تسلط داشتند. این پرسش که آنها و خانواده و دایره دوستانشان طرفداری از چه گروه های اجتماعی خارج از سازمان های سیاسی سوریه مانند (اخوان المسلمین) می نمایند، پرسشی بود که همچنان باز ماند. صحبت در باره خشونت ها و حملات از سوی شورشگران و همچنین بمب گذاری ها در خودرو ها در حاشیه کنفرانس ادامه یافت. همچنین در کنفرانس در باره انتقاد های اساسی گروه های فعال دیگر سوریه ای بحثی انجام نپذیرفت.

پنجمین گردهمایی سراسری جنبش

جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

پنجمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

همگرایی جمهوری خواهان ایران

انتخابات ریاست جمهوری، تحولات سیاسی اجتماعی ایران و گذر از
جمهوری اسلامی

۱۷ تا ۱۹ می ۲۰۱۳، هانوفر

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران در روزهای ۱۷ تا ۱۹ ماه
می، پنجمین گردهمایی سراسری خود را در شهر هانوفر آلمان برگزار
میکند.

در روز جمعه ۱۷ می، دو میز گرد با شرکت نمایندگان گروههای سیاسی
و صاحبانظران جمهوریخواه، یکی به بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی،
انتخابات ریاست جمهوری و مسائل گذر از جمهوری اسلامی در ایران و
دیگری به مسئله همگرایی جمهوریخواهان میپردازند. از همه علاقه
مندان دعوت به شرکت در این برنامه میشود.

روزهای ۱۸ و ۱۹ می به پنجمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوری خواهان
دمکرات و لائیک ایران اختصاص دارد.

Adress:

Kargah e.V , Zur Bettfedernfabrik 1 , 30451 Hannover

Telefon: 0049 (0) 511- 126078-20

email: www.kargah.de

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۱۶ آپریل ۲۰۱۳

Chora.jjdli@gmail.com